

بررسی قرارداد جوینت ونچر یا عقد مشارکت در روابط بین الملل (مطالعه موردی: قراردادهای نفت و گاز در حقوق ایران)

احسان فرامرزی^۱، اکرم تاجیک^۲، حمید میری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

چکیده: جوینت ونچر قراردادی می باشد که به سبب آن اشخاص حقیقی یا حقوقی، اقلام نقدی و غیرنقدی سرمایه ای را تحت نظارت و مدیریت مشترک، بر اساس توافق در پروژه ای معین یا سرمایه گذاری های متوالی مورد استفاده قرار داده و در سود و زیان ناشی از مشارکت به نسبت سهام خود شریک می گردند . نتایج نشان می دهد قرارداد جوینت ونچر همان عقد مشارکت در حقوق ایران است ولیکن تفاوت هایی با یکدیگر دارند. قراردادهای جوینت ونچر به دلیل بین المللی بودن، تفاوت های اساسی با قراردادهای مرسوم در حقوق ایران با عنوان عقد مشارکت دارند. مهم ترین نکته در مورد قراردادهای جوینت ونچر این است که افراد مرتبط با قرارداد می توانند در خارج از کشور سکونت داشته باشند و معمولاً این قراردادها دارای مدت زمان خاتمه (اتمام) نیستند و در حالتی که مشکلی بین دو طرف قرارداد ایجاد نشود، مفاد قرارداد به قوت خود باقی خواهد بود. اهمیت این موضوع بانی تمرکز مقاله حاضر به صورت توصیفی تحلیلی و با روش کتابخانه ای است که به بررسی مبانی قراردادهای جوینت ونچر و عقد مشارکت در قراردادهای نفت و گاز در حقوق ایران و جایگاه حقوق و تعهدات شرکا در قراردادهای بین المللی توسعه مشترک در صنعت نفت و گاز پرداخته است.

واژگان اصلی: جوینت ونچر، حقوق و تعهدات، عقد مشارکت، قراردادهای نفت و گاز.

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. (نویسنده مسئول) Akramtajik@yahoo.com
۳. گروه الهیات، گنبد کاووس، دانشگاه گنبد کاووس، ایران.

مقدمه

جوینت ونچر، دارای دو معنای عام و خاص می باشد و در معنی خاص آن، وقتی ایجاد می گردد که دو شرکت به صورت مشترک در کنار یکدیگر قرار می گیرند تا به صورت هویتی جدید، فعالیت تجاری معین و مشترکی را ایجاد نمایند همچنین به معنای عام، مشتمل بر هر گونه همکاری بین دو شرکت می گردد؛ حتی اگر هویت جدیدی در حین آن خلق گردد یا نگردد، حتی هنگامی که توافق نامه ی تجاری سنتی، همچون توافق نامه ی انتقال دانش فنی یا توزیع محصول میان دو شرکت، تحت عنوان همکاری مشترک، منعقد گردد و این توافق نامه ی سنتی هم زیر دیگر عناوین همکاری، همچون توسعه مشترک محصولات باشد، مجدد شامل مفهوم عام همکاری مشترک می باشد. به طور کلی می توان بیان داشت که «Joint Venture» یک تکنیک حقوقی انعطاف پذیر است و این روش قابلیت استفاده در حوزه های بسیار اعم از صنعت، معدن، نفت، خدمات، کشاورزی و غیر آن مورد بهره برداری است. «Joint Venture» را می توان با توجه به اهداف و مقاصد به صورت متفاوت طراحی نمود. «Joint Venture» روشی است که با سیاستهای مختلف از جمله سیاست های اقتصادی نیز قابل انطباق است. قرارداد مشارکت در تولید قراردادهایی است که مطابق آن، دولت حقوق انحصاری کاوش، اکتشاف، توسعه و تولید منابع معدنی از یک منطقه خاص را برای یک مدت معین به یک سرمایه گذار اعطا می نماید و در مقابل، سرمایه گذار متعهد می شود عملیات را در مدت تعیین شده به هزینه و ریسک خود انجام دهد از آنجا که در لایحه تجارت، با موضوع قراردادهای تجاری که مشتمل بر پنج فصل در زمینه های دلالی، حق العمل کاری، حمل و نقل، قائم مقام و نمایندگی تجارتنی و گروه اقتصادی مشترک ماهیت قراردادی همچون جوینت ونچر هستند، می توان مقایسه ای در این دو قرارداد مشارکت انجام داد.

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی حقوق و تعهدات شرکا و ماهیت قراردادهای جوینت ونچر از منظر انعقاد قراردادهای مشارکتی در نفت و گاز همچون قراردادهای مشارکت در تولید، در سود، عملیات و قراردادهای بین المللی توسعه مشترک پرداخته است.

ماهیت حقوقی جوینت ونچر در ایران

در حقوق اروپا، اصطلاح «جوینت ونچر» مفهومی حقوقی است که تحت قواعد حقوق شرکت ها تعریف شده است. در ایران نیز جوینت ونچر توسط حقوقدانان به عنوان نوعی شرکت مدنی مذکور در قانون مدنی، یا به عنوان گروه اقتصادی مشترک که در قوانین پراکنده، از آن یاد شده،

شناخته شده است. مهمترین ممیزه جوینت ونچر نسبت به شرکت تجاری، قراردادی بودن آن و فقدان شخصیت حقوقی است. بدین معنا که شرکت تجاری، به عنوان شخص حقوقی دارای تعهدات و تکالیف حقوقی بسیاری است که جوینت ونچر فاقد آنهاست. (برای مثال جوینت ونچر شخصیت حقوقی لازم برای مالک اموال شدن را ندارد.) جوینت ونچر، یک شرکت تجاری (حقوقی) نیست، اما قانونگذار در رابطه با آن مقرراتی را ضروری دانسته است که با شرکت های تجاری مشترک است. از جمله این مقررات، عبارتند از: الزام به ثبت جوینت ونچر، الزام به داشتن دفاتر تجاری (دفتر دارایی، دفتر کل و الزام به ثبت تغییرات مدیران است) (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

در کشورهای اسلامی از جمله ایران که قوانین آنها مبتنی بر فقه اسلامی است مشارکت ها در چهارچوب های زیر به کار گرفته می شود :

الف- شرکت اموال (عنان، اعیان): که در آن آورده شرکا اموال نقد و غیر نقد است و احکام آن ذیل مواد ۵۵۸ و ۵۷۱ در قانون مدنی آورده شده است در وجه تسمیه این قبیل شرکت ها به عنوان گفته شده است گویی این شرکت در جلوگیری از فسخ یک سویه طرفین و تصرف هر کدام در اموال همچون عنان که چهار پا را مهار می کند قدرت کنترل و بازدارندگی را نشان می دهد. . دکتر امامی از این نوع شرکت تعبیر به (شرکت اعیان) نموده است شرکت عنان در اصطلاح فقهی بدین معنی است که دو یا چند نفر به موجب امتزاج و یا عقد شرکت ، در اموال با هم شریک باشند چه بصورت پول نقد باشد و یا بصورت اجناس،

ب- شرکت اعمال (ابدان): عبارت از آن می باشد که دو یا چند شخص به سبب عقدی قرار گذاشته باشند که در اجرت کار با یکدیگر شریک باشند.. چه هر دو مشغول به یک شغل باشند و چه این قرارداد برای شغل معین در نظر گرفته شده باشد و یا غیر آن.

ج- شرکت وجوه: بدین معنا است که این شرکت دو یا چند نفر که سرمایه ای ندارند، اموالی را در قالب نسبه می خرنند و پس از فروش آن، در سود فروش شریک می باشند.

د- شرکت مفاوضه: بدین معناست که این شرکت دو یا چند شخص قراردادی بدین نحو منعقد کنند که هر آنچه از راه کسب و کار، ارث، لقطه، احیای موات و غیره حاصل گردد و همچنین ضرری که بر آن ها وارد می گردد ، از قبیل ارش، جنایت، قیمت مالی که یکی تلف کند، همه میانشان مشترک است (اسکینی، ۱۳۹۷: ۵۸).

با مشاهده قراردادهایی در حقوق داخلی ایران و مقایسه آن با قرارداد جوینت ونچر و بررسی

آنها به این نتیجه می‌رسیم که چه از لحاظ شکلی و چه از لحاظ ماهیتی مشابهتی با قرارداد جوینت ونچر ندارند که به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجارتي و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می‌گردد. با دقت در ماده ۱۰۱ قانون تجارت می‌توان بیان داشت وجود دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی ضرورت دارد و همچنین دولت نیز به عنوان یکی از اشخاص حقوقی می‌تواند یکی از اعضا باشد از سوی دیگر تشکیل گروه اقتصادی از لحاظ مدت حیات نمی‌تواند نامحدود باشد، بلکه برای مدت معین و انجام پروژه مشخص تشکیل می‌گردد. در ماده ۱۰۲ تشکیل گروه بدون سرمایه پذیرفته شده است و در ماده ۱۰۳ نیز ضرورت ثبت و ایجاد شخصیت حقوقی مورد تاکید قرار گرفته است (باستانی، ۱۳۹۰: ۸۳).

جوینت ونچر قراردادی فاقد شخصیت حقوقی مستقل از شرکا است از این منظر گروه اقتصادی با منافع مشترک با جوینت ونچر قراردادی دارای تناقض است و نمی‌توان آن‌ها را در یک گروه قرار داد، هرچند نظر برخی حقوقدانان این است که مواد مربوط به گروه اقتصادی با منافع مشترک در ادامه باب سوم تحت عنوان قراردادهای تجاری بیان گردیده است و گروه اقتصادی با منافع مشترک در تقسیم بندی مشارکت‌های قراردادی ایجاد می‌گردد. قابل ذکر است که پذیرفتن جایگاه حقوقی این دو نهاد حقوقی به معنی نفی کردن ماهیت قراردادی آنها نیست. بلکه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون تجارت در ماهیت قراردادی گروه اقتصادی با مشارکت اشاره شده است. مطابق مواد ۱۰ و ۵۷۱ به بعد قانون مدنی، ایجاد شرکت مدنی با رعایت شرایط ذکر شده امکان داشته است. با دو ویژگی تضامنی بودن مسئولیت و لزوم ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک شاید بتوان گفت که قانونگذار نهاد جدیدی را شناسایی کرده است. حدود مسئولیت شرکا در گروه اقتصادی با منافع مشترک در تبصره یک این ماده تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد را در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نمی‌داند و اعضای گروه برای پرداخت دیون مسئولیت تضامنی دارند، مگر در مواردی که با اشخاص ثالث به صورت دیگری توافق شده باشد. در جوینت فنچرهای قراردادی حدود اختیارات مدیران در قرارداد مشخص می‌شود و با قسمت اول تبصره یک قابل تطبیق نیست و این حکم مناسب شرکت‌های تجاری می‌باشد که قرارداد ن این قابلیت را ندارد که حدود اختیارات مدیران را از آنچه در اساسنامه معین گردیده و علی‌الاصول به اطلاع اشخاص ثالث رسیده باشد، دچار تغییر گردد. الزام به داشتن نهاد بازرسی و داشتن دفاتر تجاری به عنوان الزاماتی برای نظارت بر عملیات گروه است که در ماهیت نزدیک به جوین ونچرهای شرکی می‌باشد. برخی از حقوقدانان

ورود این نهادها را سبب تحمیل هزینه‌های غیر ضروری و ورود اشخاص غیر انتخابی توسط شرکا در گروه می‌دانند با توجه به تحلیل مفاد مطروحه می‌توان بیان داشت قانونگذار اساساً حکم جدیدی درباره قراردادهای مشارکت یا جوینت ونچر وضع ننموده است (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۳).

الزامات و انحلال در قرارداد های جوینت ونچر

قرارداد جوینت ونچر پیمانی است که دو طرف یک توافق برای یک پروژه خاص گرد هم می‌آیند. این قرارداد انتظارات، تعهدات، شرایط و مسئولیت‌هایی را که از هر دو طرف در طول پروژه انتظار می‌رود، مشخص می‌نماید. در یک جوینت ونچر، دو طرف در خصوص موضوع قرارداد، دیگر به عنوان دو نهاد جداگانه عمل ننموده، بلکه به عنوان یک شرکت برای رسیدن به اهداف قرارداد عمل می‌نمایند. عناصر بسیاری در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قرار می‌گیرند، اما برخی از مهم ترین مواردی که باید شامل شوند عبارتند از: اهدافی که توافق مشترک برای آنها ایجاد شده است، طرحی از آورده های ارائه شده توسط هر دو طرف اعم از نقدی یا غیرنقدی، و همچنین ارزش آن آورده ها باشد. وظایف هر یک از طرفین در پروژه، مانند مشارکت های فنی یا تعهدات مالی، دستورالعمل نحوه ملاقات طرفین جهت به روز ماندن در مورد پیشرفت پروژه، مدت زمان اعتبار جوینت ونچر و دستورالعمل هایی در مورد نحوه فسخ قرارداد در صورت عدم موفقیت و شرایط تعیین شده برای مدیریت امور روزانه پروژه، این که آیا سود بر اساس میزان آورده طرفین خواهد بود یا بر اساس فرمولی خاص و بخشی که شامل شرایط خاصی برای جزییات پروژه، مانند قراردادهای محرمانگی، ارزش گذاری حقوق فکری، مانند ارزیابی حقوق مالکیت فکری یکی از شرکا و یا املاک و مستغلات شریک دیگر، قابلیت انتقال سهم - حق واگذاری موسسین به سایر اعضای شرکت \ غیر شرکت درخواست انحلال - شرایط، اطلاع رسانی به اعضا حق اولویت - حقوق خرید و پیشنهاد متقابل توسط موسس باشد (آریا کیا و معدولیت، ۱۳۹۴: ۷۱).

قرارداد جوینت ونچر به دلایل مختلفی پایان می پذیرد. از جمله :

با انقضای دوره زمانی از قبل تعیین شده (مثلا دو طرف پیش بینی می‌نمایند که قرارداد پس از سه سال خود به خود پایان یابد)، با فوت یا انحلال یکی از طرفین و با حکم دادگاه (در صورتی که دادگاه قرارداد، موضوع فعالیت، را غیر قانونی بداند یا هنگامی که که ادامه جوینت ونچر را به دلیل اختلاف عمیق طرفین عملاً غیرممکن بداند؛ بطلان، یا انفساخ قرارداد جوینت ونچر را اعلام خواهد

نمود). همچنین با انجام موضوع قرارداد (هنگامی که جوینت ونچر برای هدف خاص یا پروژه ای خاص تشکیل شده باشد و آن هدف محقق شده باشد یا پروژه به پایان رسیده باشد، یکی از دلایل احتمالی پایان قرارداد جوینت ونچر محقق شده است).

برخی از خطرات عمده ای که جوینت ونچرها درگیر آن هستند عبارتند از:

عدم شفافیت در مورد تعهدات و مسئولیت های هر یک از شرکا، قراردادهایی که به درستی تنظیم نشده باشند، می توانند دارای سناریوهای پیش بینی نشده بسیار، یا بندهای نامطابق با قانون یا موارد مغایرت متن با خواست دو طرف و... باشند که منشاء اختلاف طرفین در آینده می شوند. نقش مشاور قرارداد جوینت ونچر در این موارد حیاتی و ضروری است. تعارض در سبک ها و تکنیک های مدیریتی شرکای مختلف که منجر به اختلافات مکرر می شوند. عدم تعادل و تناسب سرمایه و منابع سرمایه گذاری شده توسط شرکا که منجر به اختلافات و تعارض منافع می شود. همچنین روش های ناکارآمد برای حل و فصل اختلافات را می توان نام برد (پاسبان و قربانی زلیخانی، ۱۳۹۶: ۵۹).

طرف های قرارداد

اهمیت شناخت طرف های قرارداد جوینت ونچر به معین کردن ویژگی قرارداد مبنی بر بین المللی بودن یا داخلی بودن آن است. زیرا جوینت ونچر شامل طرف هایی است که زیر مجموعه قانون عام (دولتی) هستند و برخی طرف ها تابع قانونی خاص هستند و گاهی طرف های قرارداد وابسته به قانون داخلی خاص هستند، بدون این که شریکی خارجی بین آنها وجود داشته باشد. از جمله در تشکیل قرارداد مشارکت مدنی میان شرکت های داخلی یک کشور با همکدیگر به گونه ای که گاهی جوینت ونچر بین طرف های داخلی بدون وجود شخصی خارجی منعقد می گردد که یا بین طرف هایی از بخش خصوصی است و یا بخش دولتی و خصوصی ایجاد می گردد (پیران، ۱۳۸۹: ۲۱۸). معمولاً در کشورهای توسعه یافته بدلیل امکانات فنی و تکنولوژی بالا این نوع قراردادها رواج بیشتری دارد. و در کشورهای کمتر توسعه یافته در صورت وجود امکانات بین طرف های شرکت کننده یا همسویی بین فعالیت های آن ها ایجاد می گردد. پس می توان دریافت در قراردادهای جوینت ونچر شرط نیست که یکی از طرف ها خارجی باشد، اما به ندرت این امر واقع می گردد برای مثال می توان به قانون مشارکت بین بخش دولتی و خصوصی مصر مصوب سال ۲۰۱۰ و قانون مشارکت بخش خصوصی و دولتی اردن مصوب ۲۰۱۴ که قراردادهای مشارکت بین بخش خصوصی در پروژه های زیرساختی و خدمات عمومی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. از

سویی دیگر طرفین قرارداد جوینت ونچر ممکن است اشخاص حقیقی یا حقوقی را در بر بگیرد و اگر هویت آن از نوع شرکتهای باشد این امکان ایجاد گردیده که ماهیت دو طرف ماهیت شرکت اشخاص یا سرمایه شده باشد و به دلیل آنکه مسئولیت سهامداران در شرکت سرمایه محدود به سرمایه آنها شده است، موضوع قرارداد جوینت ونچر که با همکاری شرکت های سرمایه ایجاد گردیده است و نباید خارج از حدود فعالیت آن شرکت ها صورت پذیرد. طرف های خارجی در جوینت ونچر یا شخص حقیقی است یا حقوقی و این شخص یا عام (دولتی) است و یا خاص (خصوصی) و در غالب موارد طرف خارجی شخص حقیقی خاص می باشد و گاهی هم طرف های جوینت ونچر همگی خارجی هستند که پروژه خود را در یک کشور خاص اجرا می کنند و گاهی این قرارداد دارای ویژگی سرمایه گذاری هستند و اکثر قوانین سرمایه گذاری به طرف های خارجی اجازه اجرای طرح های اقتصادی را داده اند. یکی از دلایل مشارکت طرف خارجی با طرف داخلی در جوینت ونچر زیاد بودن مواد اولیه صنایع به ویژه در پروژه های نفتی است که از جمله آن ها می توان به قراردادهای خدمات نفتی بین مجموعه ای از شرکت های خارجی و شرکت نفت اشاره کرد. یکی دیگر از علت های تاثیر گذار در مشارکت طرف خارجی موضوع امنیت و تضمین در قبال خطر ملکیت و ملی شدن است به ویژه در جایی که طرف داخلی دولتی باشد. هم چنین موضوع معافیت های مالیاتی که همه این موارد موجب تشویق طرف های خارجی برای مشارکت با شرکت های داخلی است (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

حقوق و تعهدات شرکا

حقوق شرکا با توجه به پروژه تعیین می شود. از جمله حقوق شرکا دریافت سود مشارکت در تصمیم گیری انتقال سهم الشرکه، حق تقدم در خرید سهم الشرکه، حق دسترسی به اطلاعات و بازرسی از سایت پروژه می باشد. آورده شرکا می تواند نقد و یا غیر نقد باشد. مانند دانش فنی، تجهیزات، تامین نیروی انسانی و غیره در این صورت آورده اعضا توسط کارشناس که مورد توافق اعضا هست، تقویم و ارزیابی شده و بر همین اساس میزان سود هر یک از اعضا تعیین می شود. موضوع جوینت ونچر مشارکت در یک فعالیت تجاری برای کسب منفعت است. در جوینت ونچر تعلق سود باید مشاع باشد. این ویژگی جوینت ونچر را از دیگر مال مشارکتی که برای کسب سود می باشد متمایز می گرداند. بنابر عقیده عده ای از حقوقدانان این تمایز نیست، بلکه همان وجه اشتراک بین قراردادهای مشارکتی است. زیرا تمام اهداف انعقاد این قراردادها برای کسب سود است. در حالی

که اشتباه این حقوقدانان در نادیده انگاشتن مشاعی سود حاصل است، به بیان دیگر وجه تمایز جوینت ونچر با دیگر اعمال مشارکتی صرفاً در مشاع بودن سود حاصله می‌باشد. شرکا معمولاً در قرارداد در خصوص میزان و نحوه تعلق سود به هر یک از اعضا ماده‌ای اختصاص گرفته است. تعلق سود معمولاً پس از پرداخت مالیات و کسر کلیه هزینه‌ها در باب سوددهی با رعایت تشریفات معین در قرارداد و به نسبت سهم الشرکه، سود حاصله را میان شرکا تقسیم می‌کنند (حکیم جوادی و پاسبان، ۱۳۹۶: ۹۲). از وجوه متمایز کننده قراردادهای جوینت ونچر با دیگر قراردادها دخالت فعال طرفین در اداره جوینت ونچر است. آنگونه که اساتید حقوق تجارت اذعان داشته است هر سهامداری در قالب شریک حق مشارکت در تصدی امور شرکت و کنترل نظارت در عملیات شرکت و بازرسی و حضور در جلسات مجامع امور شرکت را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنانچه یکی از اعضا از مشارکت فعال از اداره جوینت ونچر امتناع کند و تنها با تامین مالی و سهام شدن در سود و زیان به فعالیت خود ادامه دهد، نمی‌توان این رابطه را جوینت ونچر دانست. مشارکت در تصمیم‌گیری مشتمل بر حق رای در خصوص زمینه‌های مختلف پروژه، حق حضور در جلسه‌های کمیته مدیریت مشترک و مجمع شرکا، حق وتو و دیگر حقوق مربوط به تصمیم‌گیری می‌باشد، بر مبنای این حق شرکا در سرنوشت جوینت ونچر نقش دارد و با حضور در مجمع شرکا با کمیته مدیریت در زمینه عنوان‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند. دسترسی به اطلاعات تضمینی برای همه شرکا علی‌الخصوص شرکای اقلیت برای برابری میان تمام شرکا است. بر اساس حق دسترسی به اطلاعات کلیه اعضا می‌توانند به صورت جلسات مجمع عمومی صورت جلسات هیئت مدیره حساب‌های جوینت ونچر و قراردادهای فرعی منعقد دسترسی داشته باشند. در بسیاری از موارد امکان دارد که اکثریت شرکا به دلیل کنترل بیشتر که به علت نقش آنها در مراجع تصمیم‌گیری اعم از هیئت مدیره و یا مجامع عمومی شرکا دارند. دسترسی اطلاعات را برای شرکای اقلیت محدود کنند، لذا برای جلوگیری از این امر لازم است مقرراتی برای دسترسی برابر به اطلاعات در قرارداد یا اساسنامه گنجانده شود (خارکش و فتحی زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۳).

این مقررات می‌تواند مواردی نظیر ذیل باشند:

الف: حق داشتن اطلاع از قراردادهایی که در زمینه‌های اجرای پروژه به واسطه شرکت مشترک امضا می‌گردند و حق دسترسی به آنها ب: حق داشتن اطلاع از صحت و درستی صورت داری و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت ج: حق داشتن

اطلاع از طرح‌های آینده و استراتژی‌های توسعه در زمینه تجاری شرکت مشترک

د: حق داشتن اطلاع از وضعیت مالی شرکت مشترک در دوره‌های مختلف در سال و دسترسی به داشتن اطلاعات حسابداری و حسابرسی‌های مربوطه

ه: حق داشتن اطلاع از صورتجلسه‌ها و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام و هیئت مدیره

به لحاظ اهمیت این موضوع معمولاً کشورها در قوانین تجاری خود این حقوق را تصریح می‌کنند، همچنان که در کشور ما، قانونگذار در ماده ۱۳۹ قانون تجارت مقرر داشته هر صاحب سهمی می‌تواند از پانزده روز قبل از منعقد ساختن مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورتحساب‌ها مراجعه گردیده و از ترازنامه، حساب سود و زیان گزارش عملیات مدیران و گزارش‌های بازرسان رونوشت بگیرد (خورسندی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲).

الزامات حقوقی در عقد قراردادهای نفت و گاز

همه ی موافقتنامه های نفت و گاز موضوع قواعد عمومی هستند که حاکم بر قراردادها می باشد. یک تعهد به یک قرارداد تبدیل می گردد؛ توافقی که از حیث حقوقی الزام آور است. من حیث المجموع قراردادهای نفت و گاز بایستی همه ی پیش نیازهای موافقتنامه های الزام آور حقوقی را در بر داشته باشند. مضافاً در قراردادهای نفتی نیز مانند خیلی از سایر قراردادهای داخلی و بین المللی نقاط مشترکی وجود دارند، بطوریکه می توان اظهار داشت کمابیش در همه ی آنها برابر است. برخی از این وجوه مشترک به شرح زیر عبارتست از اینکه:

- معمولاً شرکتهای خارجی که مبتنی بر قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان اقدام به عقید یک قرارداد می کنند بایستی دفتر و شعبه ای را بر اساس قوانین مربوطه تشکیل دهند و یا مبادرت به ایجاد و پایه گذاری یک شرکت به موجب قوانین مذکور کنند و علاوه بر اینها می بایست یک نماینده حقوقی مقیم در کشور میزبان با اختیارات کامل که الزام آور برای شرکت است معرفی کرده و در طول بازه قراردادی در کشور میزبان حفظ کنند.

- یکی دیگر از خصوصیات مشترک آن است که جهت پیشگیری از هر نوع خسارت و یا سهولت در ورود دانش فنی و تکنولوژی به کشور، قراردادهای نفتی صرفاً با اشخاص حقیقی یا حقوقی، داخلی یا خارجی که در رابطه با دانش فنی لازم و توانایی مالی و اقتصادی جهت انجام و اجرای تعهدات قراردادی خویش تجربه ثابت شده ای دارند، انعقاد می یابد؛ یکی دیگر آنست که

پیمانکار در آن قراردادهایی که دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی را شامل می شود، شخص مسئول جهت انجام و اجرای عملیات بایستی تعیین گردیده و مشخص شود. همه ی افرادی که گروه پیمانکاری را تشکیل می دهند جهت انجام تعهدات محوله ی ناشی از قرارداد مجموعاً و یا منفرداً در مقابل دولت مسئول شناخته می شوند (داراب پور، ۱۳۹۷: ۴۴).

در رابطه با سایر نقاط مشترک در عقد قراردادهای نفتی می توان موارد دیگری را عنوان کرد:

- طرف قرارداد در منطقه ی تحت حاکمیت دولت میزبان دارای حق انحصاری کشف و تولید نفت در یک منطقه ی جغرافیایی معینی بوده و بازه زمانی معلوم و طولانی برای قرارداد تعیین می گردد. وجود ارتباط میان مراحل کشف و توسعه و همچنین توسعه و استخراج از مخازن نفتی و وجود ریسک به منظور سرمایه گذاری و قبول آن از جانب او وجود دارد. دستیابی و تصاحب مالکانه سرمایه گذار خارجی به همه و یا قسمتی از نفت تولید شده جهت بازاریابی، فروش و عملیات مربوط بدان وجود دارد. این حق انحصاری با مضمون اصل ۸۱ از قانون اساسی هیچ تضاد و مغایرتی نداشته، زیرا هدف از ممنوعیت ذکر شده در اصل اخیرالذکر آن است که به طور کلی امتیاز انجام فعالیت و بهره برداری قسمتی از صنعت و یا قسمتی از کشور به افراد خارجی ممنوع است ولیکن اعطای امتیاز استخراج از یک میدان مخصوص در قالب یک قرارداد تجاری شامل ممنوعیت اصل مذکور نمی گردد و چنانچه یک تفسیر کلی و عمومی از این اصل ارائه دهیم، این برداشت با تعهد نسبت به عدم تبعیض میان سرمایه گذاران داخلی و خارجی قید شده در معاهدات دو طرفه ی سرمایه گذاری و قانون تشویق در تضاد است و بر سر راه فعالیت های سرمایه گذاران خارجی در حیطه ی نفتی کشور مانع بزرگی را بوجود خواهد آورد. سه دوره مقدماتی، اکتشاف و بهره برداری در همه ی قراردادهای مورد پیش بینی قرار گرفته است و در همه ی آنها بایستی شرکتهای نفتی به طی مدت زمان مقرر از بخش مشخصی از حوزه ی اکتشافی چشم پوشی کنند. معمولاً شرکتهای نفتی نسبت به بیشتر دولتها نفت خام را بهتر به بازار می رسانند، از این رو وظیفه بازاریابی در اکثر قراردادهای به شرکتهای نفتی محول می شود. در رابطه با مشخص کردن موضوع مالکیت ابزار و لوازم تولید پس از پایان زمان قرارداد، اکثر کارشناسان معتقدند که با امعان نظر به طولانی مدت بودن دوره ی قراردادهای نفتی، ابزار و لوازم مورد استفاده فرسوده شده و فاقد کارایی لازم می شوند. شرکت نفتی در غالب موارد موظف است که نیروی انسانی کشور میزبان را آموزش دهد و همینطور دولت کشور میزبان هم وظایف شرکت نفتی را بطور دقیق در این خصوص تعیین می کند. در بیشتر موارد

شرکت های نفتی وظیفه ی خرید کالاها و خدمات تولید داخلی را عهده دار بوده و بعلاوه این موضوع بسته به آن است که کالاها و خدمات در شرایطی کاملاً رقابتی تأمین شوند(زالی و اسدی نیا، ۱۳۹۸: ۶۲).

قراردادهای بین المللی توسعه مشترک

قراردادهای بین المللی توسعه مشترک به قراردادهایی اطلاق می شوند که با مشارکت میان دولت ها و وجود شرکت های نفتی به منظور اکتشاف و استخراج و گسترش منابع هیدروکربنی که هر دو کشور مدعی آن می باشند، در محدوده ای که در مرزهای مشخص نشده در دو کشور واقع شده باشند - در اساس منطقه فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی- انعقاد می یابند. این قراردادها اساساً در گام نخست در سیطره حقوقی حقوق بین الملل واقع می شوند ولیکن اجرای آن تا حد زیادی به نوع قراردادهایی وابسته است که مطابق با قراردادهای بالا دستی با پیمانکاران منعقد می شود. اقدامات حقوقی ضروری در حوزه حقوق داخلی هر کشور نیز سبب پیچیده تر شدن و حساسیت بیشتر اجرای آن می گردد. در این میان موضوعات مربوط به حاکمیت و حقوق حاکمیتی دولتها نیز دارای اهمیتی بسیاری است. آنجا که دو کشور از ادعای حاکمیتی خویش نسبت به منطقه ای که به باور آنها در حدود مرزهایشان واقع شده، صرف نظر کرده و در عوض اینکه اختلافات مرزی شان را در یک فرآیند بلند مدت و فرسایشی حل و فصل کنند که حتی در آخر امکان دارد نظر آنها را تأمین ننماید، با صرف نظر کردن از حاکمیت و حقوق حاکمیتی در منطقه ای که به اعتقادشان به آنها تعلق دارد، تن به مشارکت با کشور همسایه ای می دهند که آن کشور همجوار نیز از دیدگاهی مشابه در رابطه با همان منطقه برخوردار است. تحریکات اقتصادی و لزوم بهره برداری پرسرعت هم مزید بر علت می گردد تا بدینوسیله هر دو کشور بخواهند بسته ای قراردادی را طراحی کند که از آن روش خواسته های مالی شان با توسعه منابع هیدروکربنی تأمین شود. لذا کشورها در رابطه با طول مدت قرارداد از ادعای حاکمیت بر منطقه موقتاً چشم پوشی می گردد تا ب این روش تمدید حدود و قویا قضاوت و داوری بین المللی پر ریسک و فرسایشی به زمانی موکول شود که در آن حساسیت های مالی منابع هیدروکربنی در تحدید کردن حدود این امر را تسهیل گرداند. در نظر نگرفتن ریسک تعیین حدود به دلیل منافع اقتصادی و مداخله در تنظیم این رویه از قراردادها، طراحی قراردادهای بین المللی توسعه مشترک را از منظر حقوقی بسیار مورد توجه می باشد تا به سبب آن تقسیم منصفانه ای از مقدار توسعه یافته منابع بین دو دولت انجام

پذیرد (علوم یزدی، ۱۳۹۲: ۷۲).

علی قاعده افزون بر حوزه مناطق مورد حاکمیت یا اختیار دولت های ساحلی در کنوانسیون های دهه ۶۰ میلادی، عرف های بین الملل و به ویژه کنوانسیون سال ۱۹۸۲ دریاها موجب دامن زدن به منازعاتی از این قبیل بر سر ذخایر هیدروکربنی است که فیمابین حدود و ثغور جغرافیایی دو کشور در مناطق دریایی تحت حاکمیت (فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی) قرار دارند. از حدود ۴۰۰ منطقه ی موجود در فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی در دنیا که دارای منابع هیدروکربنی می باشند فقط ۱۲۰ منطقه از میان آنها حدود و ثغورشان مشخص شده و مابقی همچنان به رژیم حقوقی ویژه ای که در حل و فصل مشکلات احتمالی کمک حال باشد نیازمندند. این امر بدین سبب بوده که گونه ای در شناخت نظام قراردادی قراردادهای بین المللی توسعه مشترک در قالب عرف بین الملل به خصوص در بخشی از مناطق جهان همچون منطقه آسیای شرقی و یا خاورمیانه و خلیج فارس ایجاد شده است. کشور ما هم در زمره ی غنی ترین صاحبان منابع هیدروکربنی قلمداد می شود که از مناطقی سرشار از ذخایر نفت و گاز برخوردار بوده که تاکنون نیز تحدید حدود دقیقی با کشورهای همسایه بر سر آنها بوجود نیامده است (David, 2011: 218).

میدان آرش با کشور کویت نخستین و عمده ترین منطقه ی دارای منابع هیدروکربنی می باشد که با موضوع مشخص کردن حدود دست به گریبان است. میدان مبارک با کشور امارات متحده عربی همچنین یکی دیگر از مناطقی می باشد که به دنبال آن در سال ۱۹۷۱ یک قرارداد منعقد گردید. مدت قرارداد مذکور با پیمانکار مربوط بدان باید در سال ۲۰۰۹ تمام می شد و امکان تعیین رژیم مطلوب تری برای ایران از جمله بحثهای مطرح شده است و از همین روی دریای خزر تا وقتی که برای آن یک نظام حقوقی قطعی تنظیم نشود یکی دیگر از مناطق بالقوه ای به حساب می آید که نظام قراردادی قراردادهای بین المللی توسعه مشترک در آنجا از قابلیت کاربرد برخوردار است (Lin & Ghandi, 2021: 32).

الگوهای حقوقی در عقد این دسته از قراردادهای بین المللی بر حسب شرایط به سه شکل مختلف می تواند ظاهر شود:

جویت و نچرهای اجباری: به شرایطی اطلاق می شود که ضمن آن پیمانکاران مربوط در قالب سرمایه گذاری مشترک اجباری نسبت به عملیات های اکتشاف و استخراج در منطقه توافقی بین دو دولت اقدام می نماید. قرارداد انعقادی میان دو دولت ژاپن و کره جنوبی در سال ۱۹۷۴ که در

حال حاضر نیز در حال سپری کردن دوره اجرایی خود است، مناسب ترین مثال در این خصوص است.

نهاد مشترک فرا ملی: به نهادهای گفته می شود که از طرف دو کشور پایه گذاری می شود و در چارچوب فراملی از اختیارات اعطای مجوز و تنظیم مقرر به منظور مدیریت اکتشاف و استخراج از منطقه مشترک برخوردار خواهد بود. قراردادهای انعقادی بین دو کشور مالزی و اندونزی در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰ و بین دو کشور استرالیا و اندونزی در سال ۱۹۸۹ در منطقه A مورد توافق و بین اندونزی و تیمور شرقی در سال ۲۰۰۱ از این قبیل می باشند (Shiravi, & Ebrahimi, 2006:61).

یکی از کشورها به نمایندگی از هر دو کشور اقدام به انجام عملیات مربوط می کند: به کارگیری از این الگو در مواقعی می باشد که یکی از دولتها به نمایندگی از هر دو دولت عملیات اکتشاف، مدیریت و توسعه مبادین در منطقه مشترک معین گردیده را برعهده داشته باشند. قرارداد منعقد بین استرالیا و اندونزی در سال ۱۹۸۹ در منطقه B و C مورد توافق و قرارداد منعقد شده بین قطر و اماره ابوظبی در سال ۱۹۶۹ از این دسته الگوهای عقد قرارداد به شمار می روند.

فرم قراردادهای بین المللی توسعه مشترک هم بخش های زیر را دربر می گیرد؛

مدت قرارداد، ارزیابی و انتخاب فرم انعقاد قرارداد، شرط حل اختلاف، شرط قانون حاکم، تعیین محدوده توسعه مشترک (نقشه کشی، مختصات روش ترسیم کوتاه ترین خطوط و ...)، کمیته مشترک قراردادها و منشاء حقوقی آن، گزینه های قراردادی نفتی نظام توسعه مشترک با پیمانکاران (مشارکت در تولید، قراردادهای مشمول امتیاز، مشارکت در سرمایه گذاری داشتن، قراردادهای مشمول خدماتی، مشارکت دولت و ...)، مقررات در حوزه مالی قرارداد (همچون مقررات مالیاتی، پرداختی، شروط تثبیتی و سایر شروط).

از دهه ی ۵۰ میلادی بالا رفتن همکاری میان کشورهای میزبان در عملیات های نفتی و گازی را در یافتیم قراردادهایی از نوع مشارکت به کشور میزبان این فرصت را اعطا می کند تا کنترل مؤثری بر روی فعالیت صنعت نفت و گازی خویش اعمال نماید و به موجب آنکه اغلب کشور میزبان خواستار آشنایی با ابعاد عملی این صنعت می باشد لذا انتقال فناوری را تسهیل می نماید. طول مدت در قراردادهای مشارکت بطور معمول برابر با بازدهی عمر میدان چیزی حدود ۲۵ الی ۴۰ سال بوده و علیرغم اینکه با صورت های مختلفی در این صنعت بکار گرفته می شوند ولیکن

مشخصه ی کل آنها همکاری طرفین بر اساس سهام مشخص در تولید فرآورده های نفتی و گازی است (Shiravi, 2020:72).

قراردادهایی در حوزه مشارکت در ایجاد: در نوع استاندارد قراردادهای مشارکت در ایجاد شرکت نفتی پذیرای همه ی مخاطرات که منشا گرفته از اکتشاف است و معمولاً بر اساس مسئول انجام عملیات و مدیریت در مناطق قراردادی شناخته می شود. زمانی که نفت به مقدار تجاری اکتشاف گردید، شرکت این حق را دارد که مخارج سرمایه گذاری خود را از محل نفت خامی که در منطقه ی قراردادی تولید شده است، جبران نماید. به طور کلی این میزان نفت تحت عنوان نفت بازیابی هزینه نامیده می شود. درصدی که جهت بازیابی هزینه ها در نظر گرفته می شود، متغیر بوده و معمولاً شامل ۲۰ الی ۵۰ درصد از میزان نفت تولیدی می باشد. میزان باقی مانده از آن میان کشور میزبان و شرکت نفتی به مقدار از پیش تعیین شده تقسیم می گردد و از شرایط اخیر الذکر معمولاً تحت عنوان تقسیم محصول یاد می گردد؛ اختلاف زیادی در جهان بین نسبت تقسیم تولید مطرح است؛ اما اغلب بین ۸۱ تا ۹۰ درصد برای کشور میزبان و ۱۰ تا ۱۹ درصد برای شرکت نفتی پیش بینی شده است. البته لازم به ذکر است که این اختلاف میزان چندان زیاد و فاحش نبوده زیرا بر مبنای نرخ مالیات بر درآمد که بر اساس میزان محصولی که در اختیار طرفین ایجاد گردیده مؤثر می باشد و شاخصی است که از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده تنظیم گردیده است. این امکان وجود دارد که پرداخت مالیات بر درآمد شرکت نفتی از طرف خود و یا شرکت ملی نفت به عنوان نماینده گان کشور میزبان صورت پذیرفته است.

برعکس قرارداد امتیازی، مالکیت نفت و گازی که اکتشاف شده است در اختیار کشور میزبان باقی می ماند و شرکت نفتی تا زمانی که نفت به مقدار مورد توافق طرفین ایجاد گردد مالک سهم نفت خویش نمی باشد. به لحاظ ماهیتی قرارداد مشارکت در تولید انعطاف پذیر بالایی دارد و امکان تقسیم سود با تنوع بسیار زیادی مطابق با خواست طرفین وجود دارد. کسب سودهای باد آورده و یا عدم سوددهی به میزان مطلوب عمده ترین نقدی است که بر این گونه از قراردادهای نفتی وارد می شود که این مسئله با قراردادن شروط مناسب قابل حل می باشد. همینطور بایستی این نکته را در نظر گرفت که ضرورتی ندارد تقسیم محصول صرفاً بر این اساس که بالارفتن تولید سود بیشتری نیز در ادامه وجود دارد، صورت گرفته است (Shafiei Khah et al, 2014:81).

قراردادهای مشارکت در سود: این نوع از مشارکت به قرارداد تسهیم منافع نیز معروف می

باشد. برعکس قرارداد مشارکت در تولید، سهم طرفین در این قرارداد از منشاء محصول ایجاد شده تأمین نمی گردد بلکه از منظر تقسیم سود معین می گردد. به دیگر سخن هزینه های طرح از جانب تعدادی از شرکتهای سرمایه گذاری برعهده گرفته می شود و نهایتاً سود بدست آمده از محل به فروش رسیدن محصول فیما بین طرفین به میزان تعیین شده تقسیم می گردد.

قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری: در این دسته از قراردادها، کشور میزبان در سود و زیان با شرکت نفتی شریک می شود. بطور معمول کشور میزبان در همه ی ریسکها و در تمام مراحل با عنایت به میزان سهمی که دارد سهام گردیده و مسئولیت می پذیرد. البته کشور میزبان در این قرارداد اغلب ریسک احتمالی در مرحله ی کشف را به شرکت نفتی وامی-گذارد و دولت میزبان صرفاً بعد از کشف نفت مسئولیت پرداخت سهم هزینه خویش است. از این رو دولت به منزله ی یک شریک در تولیدی که بر طبق قرارداد صورت می گیرد سهام می باشد. سهم هزینه دولت یا به روش مستقیم و یا با در نظر گرفتن قسمتی از سهم تولید است که به شرکت نفتی پرداخته شده است. دولت میزبان در قراردادهای سرمایه گذاری علاوه بر مالیات، از سویی درصدی از سود حقیقی را برای خودش در نظر گرفته می شود.

قراردادهای مشارکت در عملیات: بر اساس این قرارداد، طرفین نسبت به تعهدات مرتبط به عملیات نفتی بطور مشترک عمل می کنند؛ بدین ترتیب مشارکت و همکاری در عملیات یکی از خصوصیات است که به ماهیت ذات چنین قراردادهایی مربوط می شود.

قراردادهای مشارکت در ریسک و درآمد: در قرارداد مذکور طرفین در ریسک و درآمد خالص میدان مورد توافق سهام هستند؛ در چنین قراردادهایی طرفین در عوض مشارکت در سود بطور مستقیم در درآمد حاصل از میدان شریک می باشند. بدیهی است که در اینجا میزان مشارکت بر مبنای سهم طرفین صورت می گیرد (هادی، ۱۳۹۷: ۴۴).

نتیجه گیری

موضوع قرارداد شرکای جوینت ونچر یک حوزه حقوقی پیچیده، وسیع و پرچالش می باشد، چرا که قوانین کشورها، به ویژه در مورد قابل اجرا بودن قراردادهای مدیران یا شرکا نسبت به خودشان یا نسبت به اشخاص ثالث متفاوت است.

ارائه یک تعریف جامع از قرارداد جوینت ونچر دشوار است. جوینت ونچر قراردادی است ذاتاً انعطاف پذیر و به علت ماهیت مشارکتی آن، مشابه با بسیاری از ساختارهای مشارکتی همانند گروه

اقتصادی با منافع مشترک، اتحاد، کنسرسیوم و غیره می باشد اما رژیم حقوقی آن ها را نمی توان یکسان تلقی کرد. با توجه به دکترین غالب و رویه های داوری بین المللی، می توان جوینت ونچر را یک تکنیک حقوقی به منظور مشارکت در انجام پروژه های سرمایه گذاری دانست که شرایط ذیل را دارا اشد: جنبه قراردادی اولیه آن، به اشتراک گذاشتن آورده، تقسیم سود و زیان احتمالی، حق کنترل و مدیریت مشترک و برابر، وکالت متقابل، موضوع و مدت محدود، تعهد شرافت و صداقت در اعلی درجه آن به عنوان مقتضای اطلاق مشارکت، با این توصیف قرارداد جوینت ونچر در صنعت و تجارت داخلی و بین المللی قابلیت انعطاف پذیری و انطباق فراوانی را داراست که علت به کارگیری فراوان این قراردادها نیز به همین دلیل است. از آنجا که باید کارفرما و اشخاص ثالث در قبال تعهدات ایجاد شده توسط جوینت ونچر حمایت شود معمولاً به تضامنی بودن مسئولیت تصریح می گردد که در پی آن اعتماد طرف های قرارداد نیز بیشتر جلب می گردد. در پایان پیشنهاد می گردد که مسئولین کشور با پذیرفتن و درک واقعی از تحولات سریع و در حال وقوع در عرصه تجارت و صنعت بین الملل، ناهمگونی نظام حقوقی کشور با این تحولات و قواعد را بپذیرند و در خصوص قانون مدنی، قانون تجارت، قوانین صنعتی و گمرکی و ارزی، قانون مناطق آزاد تجاری و موازین مشارکت مدنی در قانون بانکداری بدون ریا، قانون نفت، قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی و غیره که پاسخگوی مقتضیات واقعی قراردادهای مشارکت بین المللی نمی باشد. برای تحول بنیادی در صنعت و تجارت کشورمان، به کارگیری و طراحی تکنیک های حقوقی مشارکت که راهی اجتناب ناپذیر است، با اصلاح قوانین فوق الذکر و وضع قوانین خاص در به کارگیری انواع تکنیک های مشارکت به خصوص جوینت ونچر اقدام کنند.

فهرست منابع

۱. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۸). حقوق تجارت: شرکت های تجاری، جلد دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
۲. اسدی، بهنام. (۱۳۹۷). «تحلیل ماهیت حقوقی مشارکت تجارتي (جوینت ونچر) در عرصه بین الملل»، دوفصلنامه تحقیقات حقوقی یار، شماره ۱.
۳. آریان کیا، رضا و معدولیت، احسان. (۱۳۹۴). نظام حقوقی قراردادهای مشارکت، تهران: نشر میزان.

۴. باستانی، علیرضا. (۱۳۹۰). «آثار اقتصادی بسترهای قانونی برای تشکیل گروه اقتصادی با منابع مشترک (جوینت ونچر)»، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، شماره های ۱۰ و ۹.
۵. بهمنی، محمدعلی و حجتی کرمانی، روح الامین. (۱۳۹۹). «چالش های حقوقی و فقهی شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیاتی مشترک نفتی در ایران»، فصلنامه قضاوت، شماره ۳۰۲.
۶. پاسبان، محمد رضا و قربانی زلیخانی، مجید. (۱۳۹۶). «حقوق، تعهدات و مسئولیت های شرکت ها در قراردادهای جوینت ونچر با تاکید بر گروه اقتصادی با منافع مشترک»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۰.
۷. پیران، حسین. (۱۳۸۹). مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل. (۱۳۹۳). حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، چاپ یکم، تهران: انتشارات تیسرا.
۹. حکیم جوادی، احمد و پاسبان، محمد رضا. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت در نظام های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۴، (۹۰).
۱۰. خارکش، فاطمه و فتحی زاده، امیر هوشنگ. (۱۳۹۹). «بررسی حقوق تطبیقی سرمایه گذاری مشترک (جوینت ونچر) ایران با چین»، نشریه بررسی های بازرگانی، ۱۰۳.
۱۱. خورسندی، مرتضی و تکلیف، عاطفه و فریدزاد، علی و طاهری فرد، علی و صابری، علی. (۱۳۹۷). «محاسبه مسیر بهینه استخراج نفت در قرارداد مشارکت در تولید و مقایسه آن با تولید قراردادهای بیع متقابل»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۲۷.
۱۲. داراب پور، مراب. (۱۳۹۷). مبانی حقوق تجارت بین الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. زالی، رضا و اسدی نیا، زهرا. (۱۳۹۸). «الگوهای قرارداد های انتقال تکنولوژی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۰.
۱۴. علومی یزدی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «چالش های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع

- مشتک «فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی (دانشگاه علامه طباطبائی)، ۲(۴)».
۱۵. میروسی، علیرضا. (۱۳۹۳). حقوق سرمایه گذاری خارجی در چارچوب معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری، تهران: انتشارات پریس.
۱۶. هادی، سولماز. (۱۳۹۷). «بررسی قراردادهای سرمایه گذاری بیع متقابل در صنعت نفت در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار، ۱(۴).
17. David B.(2011). Spence, Corporate Social Responsibility in the Oil and Gas Industry: The Importance of Reputational Risk, 86 Chi.-Kent. L. Rev.European Online Journal of Natural and Social Sciences Vol.3, No.3 Special Issue on Environmental, Agricultural, and Energy Science ISSN 1805-3602
18. Lin, C. Y. Ghandi, A.(2021). "An Analysis of the Economic Efficiency of Iraq's Oil Service
19. Shiravi, AH & Ebrahimi, S. N.(2006).” Exploration and Development of Iran’s Oil Fields through Buy-Back”, Natural Resources Forum 30, Blackwell Publishing Ltd.
20. Shiravi, A.H.(2020). International Trade Law, Tehran, Samat.
21. Shafiei Khah, M, Akhbari, E, Ilasani, A.(2014). Conflict of Laws in International Oil Contracts.